

Role of Family, School and Media in Preventing Crime, with Emphasis on International Standards Governing the Commitment of Governments to Training Individuals

Sh. Mohammadi^{1*}, T. Bijani Mirza², M. Hatami³

1. Assistant Professor of Law (Criminal and Criminology), University of Kurdistan, Sanandaj, Iran; 2. Faculty member of Islamic Azad University, Sanandaj, Iran; 3. Assistant Professor of Law (International Law), University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد

شهرام محمدی^{۱*}، طیبه بیژنی میرزا^۲، مهدی حاتمی^۳

۱. استادیار رشته حقوق (گرایش جزا و جرم‌شناسی) دانشگاه کردستان؛ ۲. هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، تهران، ایران؛ ۳. استادیار رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه کردستان، تهران، ایران

Accepted Date: 2018/01/11

Received Date: 2017/01/09

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to investigate social strategies for prevention of misdemeanor by family, school and media. Social prevention includes measures affecting all kind of individual's environments these environments play role in the socialization of a person, and have social functions. In this connection, school, family, and media are effective at a time juncture. The concern of social prevention is proper training & education. On the basis of theories of social process, delinquency is a function of individuals socialization. Social institutions (family and school) have one instructional and one educational function, if they do not perform their duties in the best possible way, the first defect will be made in the individual's socialization, and in fact the way will be paved for committing a crime.

Method: the methodology in this research is a descriptive-analytic study of the type of qualitative and data collection method as a library of codified sources including laws, books, monographs, and articles that have been used to analyze these items after collecting the contents.

Findings: the findings show that improving the educational system and the inclusion of law-making courses and rules of law in textbooks and the use of supportive and family-sponsored programs and the right guidance of media programs can be effective ways to support children at risk.

Keywords: Preventive Action, Human Rights, Developmental Social Prevention, Delinquent Children, Right To Education

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی راهکارهای اجتماعی پیشگیری از بزهکاری توسط خانواده، مدرسه و رسانه است. پیشگیری اجتماعی از مجموعه‌ای اقدامات تشکیل می‌شود که به انواع محیط‌های فرد تأثیر می‌گذارند که این محیط‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری فرد نقش داشته و دارای کارکردهای اجتماعی هستند. در این راستا مدرسه، خانواده و رسانه در یک مقطع زمانی ویژه مؤثرند. دغدغه پیشگیری اجتماعی تربیت و آموزش صحیح است و بر اساس تئوری‌های فرآیند اجتماعی، بزهکاری تابعی از جامعه‌پذیری افراد است. نهادهای اجتماعی (خانواده و مدرسه) دارای کارکردی آموزشی و تربیتی هستند و اگر رسالت خود را به‌درستی انجام ندهند، اولین خلل در زمینه جامعه‌پذیری فرد ایجاد شده و درواقع زمینه ارتکاب جرم فراهم می‌شود.

روش: روش تحقیق در این مقاله به‌صورت تحلیلی توصیفی از نوع کیفی است و روش گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای است که از منابع مدون شامل قوانین، کتاب‌ها، رساله‌ها و مقالات استفاده شده است که پس از گردآوری مطالب، به تجزیه و تحلیل این موارد پرداخته شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که بهبود نظام آموزشی و گنجانیدن دروس مروج قانون و قانون‌پذیری در کتب درسی و استفاده از برنامه‌های حمایتی ناظر به خانواده و هدایت درست برنامه‌های رسانه‌ها می‌توانند راه‌های مؤثری در جهت حمایت از کودکان در معرض خطر باشد.

کلید واژه‌ها: پیشگیری کنشی، حقوق بشر، پیشگیری اجتماعی رشد مدار، کودکان بزهکار، حق بر آموزش.

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۱

مقدمه و بیان مسئله

بزهکاری از عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد که بخشی از آن‌ها در ناقص بودن اقدام‌های دولت در زمینه جامعه‌پذیرسازی شهروندان ریشه دارد در واقع این کوتاهی، کم‌کاری دولت‌ها در ایجاد محیط مناسب جهت سپری شدن درست فرآیند رشد افراد است که شماری از آن‌ها را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد. بر این اساس دولت‌ها باید با رویکرد رفاه مدار درصدد زمینه‌سازی به‌منظور بهتر کردن شرایط زندگی کلیه شهروندان از جمله بزه‌کاران باشد. از این‌رو تدابیر پیشگیری از بزهکاری اولویت اول در سیاست‌گذاری‌های جنایی کشورهای مختلف است. در واقع این تحقیق درصدد پرداختن به پیشگیری اجتماعی با تأکید بر پیشگیری اجتماعی رشد مدار است. این پیشگیری در درجه اول متوجه کسانی است که در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارند و در این میان اطفال و نوجوانان از اولویت برجسته‌ای برخوردار هستند. چراکه پیشگیری اجتماعی رشد مدار تلاش می‌کند تا با مطالعه کودکان و نوجوانان و استفاده مناسب از سازوکارهای حمایتی موجود در محیط‌هایی مانند خانواده و مدرسه، افراد مشکل‌دار را به‌سوی هم‌نوایی با قواعد اجتماعی سوق دهد (Mahdavi, 2011). در واقع هدف این پیشگیری مداخله در فرآیند جامعه‌پذیری افراد است تا از ضداجتماعی شدن افرادی که در شرایط بحرانی به سر می‌برند جلوگیری کند. سازمان ملل متحد با تأکید بر اینکه کودکان و نوجوانان بیش از هر گروه سنی دیگری در معرض ارتکاب جرم قرار دارند، دولت‌ها را مکلف کرده است که به‌منظور پیشگیری از وقوع جرائم، امکاناتی را فراهم کنند تا کودکان و نوجوانان را به‌سوی تعلیم و تربیت‌عاری از بزهکاری هدایت کند. در اعلامیه حقوق بشر نیز که در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی انتشار یافت، آموزش و پرورش را یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق هر فرد انسان یاد کرده‌است. این اهمیت از این واقعیت نشأت می‌گیرد که انسان با تعدادی رفتارهای بازتابی به دنیا می‌آید و تمامی مهارت‌ها و توانایی‌های موردنیاز برای زندگی کردن یعنی تطابق و مقابله با محیط را از راه یادگیری و شکوفایی و پرورش استعدادهای بالقوه‌اش کسب می‌کند. ارسطو عقیده دارد که وضع جسمی و روانی افراد در انتخاب بزه مؤثر است و نهادهای آموزشی و اجتماعی هم نقش مؤثری را در پیشگیری از وقوع جرم به عهده دارند. نهادهای اجتماعی باید به نحوی معقول نیازهای مردم را برطرف سازند در غیر این صورت با انواع انحرافات اجتماعی در جامعه مواجه خواهیم شد. مثلاً اگر معلمان در کلاس‌های درس از مدیریت‌های علمی و عاطفی برخوردار باشند دانش‌آموزان به سمت انواع انحرافات اجتماعی گرایش پیدا نخواهند کرد اگر کتب درسی قوه خلاقیت دانش‌آموزان و روحیه پژوهشگری و جستجوگری و کسب مهارت‌های زندگی را در دانش‌آموزان به‌وجود آورد می‌توان امیدوار بود که دانش‌آموزان رغبتی به سمت انحرافات اجتماعی نخواهند داشت. از طرف دیگر خانواده‌ها باید مکلف شوند تا اقدامات تربیتی منظمی در جهت تربیت صحیح اطفال انجام بدهند که طبیعتاً در این جهت حتماً باید آموزش‌های لازم را ببینند. دولت نیز باید در این راه با فراهم کردن امکانات لازم در این راه خانواده و نظام آموزش و پرورش را یاری نمایند و همچنین اقدام به تأمین امکانات رفاهی اقشار آسیب‌پذیر جامعه

بنماید زیرا ریشه بسیاری از جرم‌ها مسائل اقتصادی است. در واقع هدف اصلی مقابله با بحران بزه‌کاری و به‌نوعی سالم‌سازی شخصیت افراد است. سؤالات تحقیق حاضر عبارت‌اند از اینکه:

۱. خانواده، رسانه و مدرسه چه جایگاه و نقشی در پیشگیری از جرم می‌توانند ایفاء نمایند؟
۲. دولت‌ها باید چه معیارهایی را جهت تعلیم و تربیت افراد رعایت نمایند؟
۳. آموزش تا چه اندازه می‌تواند عوامل جرم‌زا را در وضعیت پیش‌جنایی خنثی نماید؟ فرضیه‌های تحقیق نیز به این شرح‌اند:

۱. خانواده، مدرسه و رسانه می‌توانند جزء پیشگیری اجتماعی رشد مدار قرار گیرند.
۲. دولت‌ها معیارهایی چون عدم تبعیض و در دسترس بودن آموزش را باید مدنظر قرار دهند.
۳. آموزش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم در کنار پیشگیری وضعی می‌تواند تا حدودی عوامل جرم‌زا را خنثی یا تقلیل دهد.

این مقاله مشتمل بر ۵ فصل است؛ در فصل اول به مفهوم پیشگیری کنشی و گونه‌های آن پرداخته شده است. فصل دوم که به نقش دوگانه خانواده در پیشگیری از بزهکاری اختصاص یافته، دربرگیرنده ۳ گفتار است: گفتار اول به بررسی تأثیر خانواده در بروز آسیب‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان و گفتار دوم به خانواده و پیشگیری از بزهکاری اشاره دارد و همچنین گفتار سوم به راهکارهای مناسب برای مقابله با آسیب‌پذیری اجتماعی کودکان و نوجوانان در خانواده می‌پردازد. فصل سوم به نقش دوگانه مدرسه در پیشگیری از بزهکاری اشاره دارد و دربرگیرنده ۳ گفتار اول به بررسی تأثیر مدرسه در بروز آسیب‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان می‌پردازد، گفتار دوم به مدرسه و پیشگیری از بزهکاری اشاره دارد و گفتار سوم به راهکارهای مناسب برای مقابله با آسیب‌پذیری اجتماعی کودکان و نوجوانان در مدرسه می‌پردازد. فصل چهارم به نقش دوگانه رسانه در پیشگیری از بزهکاری پرداخته و دربرگیرنده ۳ گفتار اول به رسانه و پیشگیری از بزهکاری و گفتار دوم به رسانه و بزهکاری و گفتار سوم به راهکارهای مقابله با کارکرد منفی تلویزیون اشاره دارد و درنهایت فصل پنجم به نقش دولت‌ها در تعلیم و تربیت کودکان پرداخته و شامل ۳ گفتار و نتیجه‌گیری است. گفتار اول به‌حق آموزش در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌پردازد و گفتار دوم به حق آموزش در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته است و در نهایت گفتار سوم به حق آموزش در کنوانسیون حقوق کودک اشاره دارد.

فصل اول) مفهوم پیشگیری کنشی^۱ و گونه‌های آن

پیشگیری^۲ در اصطلاح جرم‌شناسی یعنی جلوگیری از بزهکاری با شیوه‌های گوناگونی که بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند بنابراین پیشگیری در جرم‌شناسی تدابیر کنشی است. این تدابیر پیشگیری که به‌طور جدی برای اولین بار از سوی یکی از پرچم‌داران مکتب تحقیقی یا اثباتی مطرح شد از اقدام‌های پیشگیری واکنشی جدا می‌شود.

پیشگیری کنشی شامل آن دسته از تدابیر غیر کیفری که پیش از ارتکاب جرم و گذار اندیشه به فعل از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش جنائی انجام می‌گردد. به عبارت دیگر پیشگیری کنشی با مداخله به‌موقع بر روند تعامل علل تأثیرگذار و از طریق خنثی‌سازی یا حذف علل و عوامل مؤثر، مانع تحقق نتیجه می‌شود.

طبقه‌بندی جدید پیشگیری از جرم که در جرم‌شناسی امروزی از اواخر قرن بیستم به کار برده شده شامل پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی است. در این دو نوع، مفهوم مضیق پیشگیری مدنظر است و فقط تدابیر غیر کیفری را دربرمی‌گیرند. در این مفهوم، پیشگیری به مجموعه راهکارهایی اطلاق می‌شود که برای مهار بزهکاری از ۲ طریق مورد استفاده قرار می‌گیرند:

۱. از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا (پیشگیری اجتماعی)

۲. از طریق اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیطی و فیزیکی جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب

جرم (پیشگیری وضعی) (Najafi Abrandabadi, 1999).

پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت شناسی جرم است و مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. در این پیشگیری توجه زیادی به علل بنیادی وقوع جرم می‌شود و بر این عقیده استوار است که جرائم در اثر نارسایی‌های اجتماعی به وقوع می‌پیوندند. هدف پیشگیری مذکور این است که به‌طور مستقیم از مجرم شدن افراد یعنی تبدیل بزهکاران بالفعل جلوگیری نماید و مجرم‌ان بالفعل و بالقوه را از خطاهای آنی منصرف کند. سیاست‌های اجتماعی پیشگیری از جرم در طیف وسیعی از سیاست‌های اجتماعی مؤثر در تکوین جرم مانند سیاست‌های خانواده، آموزش و پرورش، اشتغال، بهداشت، مسکن و طراحی نواحی شهری و روستایی و مانند این‌ها قرار می‌گیرد. در این روش، در محیط مداخله می‌شود تا جرم‌زایی و مجرم‌پروری کاهش یابد. این محیط‌ها می‌تواند خانواده (ارتباط با والدین، محیط تشنج، گسست خانواده، تأثیر رفتار والدین، تأثیرات روابط عاطفی و...) یا مسکن باشد که خود دو بخش اصلی دارد: مسکن انتخابی (خانواده، شخص، شغل، تفریح، ارتباط جمعی، گروه‌های سازمان‌یافته، باندهای گروهی) و تحمیلی (محل تحصیل، سربازی، اردوها،

1. Preventive action

۲. در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ مقرر شده است: "پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن"

زندانیان و...) لذا پیشگیری اجتماعی شامل اقداماتی است که به کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرایند جامعه‌پذیری و اجتماع‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند. (Danesh, 2005).

گونه‌های پیشگیری اجتماعی

در پیشگیری اجتماعی به‌دنبال هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم. محور اقدامات در این نوع پیشگیری فرد است. به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی «مجرم مدار» و «فردمدار» است زیرا کلیه اقدامات روی فرد یا محیط وی صورت می‌گیرد. به این ترتیب پس از شناسایی و تعیین علل اجتماعی ارتکاب بزه، اقدام به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به‌منظور از بین بردن این علل و اصلاح آن‌ها می‌نماید؛ بنابراین شیوه‌های پیشگیری اجتماعی بیشترین تمرکز را بر روی برنامه‌ها و سیستم‌های تکمیلی دارد که سعی در بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارند تا با ایجاد محیطی سالم بتواند به هدف ایده‌آل خود مبنی بر حذف یا کاهش جرم دست یابد. پیشگیری اجتماعی به ۲ نوع جامعه‌مدار و رشدمدار تقسیم می‌شود.

پیشگیری اجتماعی جامعه مدار

پیشگیری جامعه مدار، دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که هدف آن کاهش یا حذف علل جرم‌زا در محیط اجتماعی است و در اصل برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری در اجتماع‌های محلی و مسکونی کمک می‌نمایند، طراحی می‌گردند. دانشمندان، معتقدند هرگونه تغییری که در شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی به‌وجود بیاید، مستقیماً بر روی فرد اثر می‌گذارد و به جرائم مختلف، شکل می‌دهد یا آن‌ها را از بین می‌برد. جرم‌شناسی، واکنش‌های یک فرد ناسازگار را نتیجه شرایط نابهنجار وی می‌داند؛ بنابراین، اگر شرایط محیط مساعد و سالم باشد، رفتارها نابهنجار است. در غیراین صورت، ناسازگاری افراد به‌هیچ‌وجه غیرمنتظره نیست (Hasting, 2001).

پیشگیری اجتماعی رشدمدار

پیشگیری رشد مدار یا زودهنگام، مجموعه اقدام‌ها و تدابیر پیشگیرانه است که در مسیر رشد کودک و نوجوان ناسازگار اعمال می‌گردد و شامل اقدام‌های روان‌شناختی - اجتماعی زودرس، جهت پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه در کودکان و نوجوانان در محیط‌های جامعه‌پذیری آنان از جمله خانواده، مدرسه و گروه‌های همسالان می‌شود. در پیشگیری رشدمدار، علل رفتارهای نابهنجار و پرخاشگرانه کودکان و نوجوانان شناسایی می‌گردند و سعی می‌شود به کمک خانواده، همسالان و مدرسه مشکلات رفع شوند. در این صورت یک مداخله هدف‌دار، مستقیماً می‌تواند این مسئله را به یک نقطه‌ای برساند که مداخله را کارآمدتر و کم‌هزینه کند (Hasting, 2001).

فصل دوم) نقش دوگانه خانواده در پیشگیری از بزهکاری

محیط خانواده، محیطی است که طفل در آن متولد شده، نشو و نما نموده و اعمال، رفتار و عاداتش بدون شک تحت تأثیر این محیط بوده و در حقیقت رفتارها، تقلیدها یا عکس‌العمل‌هایی است که او در مقابل این اجتماع کوچک و اشخاصی که با آنها زندگی می‌کند، نشان می‌دهد. وضعیت و ثبات این محیط پیوسته در تشکیل شخصیت، اخلاق و عواطف او اهمیت اساسی دارد (Ghafari, 1982).

بررسی تأثیر خانواده در بروز آسیب‌های اجتماعی (بزهکاری) کودکان و نوجوانان

خانواده از جمله عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک است. کودک به‌موازات فراگیری زبان و نمود ارتباط با محیط و اعضای خانواده و جامعه، آداب و رسوم و خلیقات خانواده خود را کسب می‌کند و آنها را جزء شخصیت و منش خود می‌سازد (Tavassoly, 1990). رفتار خشونت‌آمیز والدین در خانواده با کودک و نیز با همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک بارور می‌سازد که در جامعه هم خشونت و جدال حلال مشکلات است؛ بنابراین، اقدام‌های تنبیهی-تشویقی بی‌ضابطه پدر-مادران، برخورد نامناسب و نادرست آنان با یکدیگر، تک والدینی بودن، بی‌سواد یا کم‌سوادی پدر-مادران، بزه‌کاری یا اعتیاد آنان، کمبود روابط عاطفی میان اعضای خانواده، ناتوانی مالی و اقتصادی، بی‌کاری پدر-مادران، بی‌اعتنایی نسبت به رفتار کودکان، عدم تفاهم خانوادگی، جدایی پدر-مادران از یکدیگر، رواج پرخاشگری میان اعضای خانواده به‌ویژه میان پدر-مادران، بزهکاری برادران و خواهران و اعزام و نگهداری آنان در نهادهای دولتی و مانند آن عوامل خطری‌اند که بیم پایداری بزهکاری را نزد افراد در آینده می‌دهند؛ زیرا تحقیقات نشان داده‌اند کودکانی در آینده به مجرمان به عادت تبدیل می‌شوند که در خانواده‌های مشکل‌دار از حیث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... تربیت می‌شوند.

خانواده و پیشگیری از بزهکاری

وظیفه خانواده است که فرزندان خود را برای یک زندگی مستقل و سالم در آینده و در جامعه آماده کند به طوری که فرزندان علاوه بر اینکه بتوانند در مواجهه با هر برخوردی از سوی اعضای جامعه و هر مشکلی که بر سر راه او قرار می‌گیرد با توانمندی تدبیر کرده و راه موفقیت و پیشرفت خود را باز کنند و به راه‌های منحرفانه و خلاف‌کارانه هم به هر دلیلی چه به خاطر کمبودهای اقتصادی و چه مسائل عاطفی کشیده نشوند؛ اما در این مورد نباید تمام تکالیف تربیتی فرزندان را بر عهده خانواده گذاشت و با این کار برای جامعه به‌طور اعم، مسئولین و نهادهای مختلف به‌ویژه نهاد تأثیرگذار مدرسه به‌طور اخص هیچ‌گونه وظیفه‌ای متصور نشد و بدون کمک و مساعدت به خانواده، از خانواده انتظار تحویل

دادن فرزندی با خصوصیات عالی داشت؛ بنابراین باید رابطه خانواده با مدرسه و اولیای مدرسه احیاء شده و در مدرسه به نقش و اهمیت خانواده در تربیت فرزندان اهمیت بیشتری داده شود و دارای ضمانت اجرایی باشد تا کودکان درصدد جلب رضایت و خشنودی خانواده از رفتار خود شوند و همچنین کودکان و نوجوانان در صورت جلب رضایت خانواده به خاطر رفتارهای خوب خود در خانه، در مدرسه نیز مورد تشویق قرار گیرند تا به این صورت کودکان از همان سنین اولیه به اهمیت جلب نظر خانواده و احترام و حرمتی که جامعه برای خانواده قائل است واقف شوند تا سعی در جلب نظر خانواده در رفتارهای خود نمایند. از طرف دیگر خانواده‌ها هم باید مکلف شوند تا اقدامات تربیتی منظمی در جهت تربیت صحیح اطفال انجام بدهند که طبیعتاً در این جهت حتماً باید آموزش‌های لازم را ببینند که می‌توان این وظیفه را بر عهده مدرسه گذاشت که با الزامی کردن حضور والدین در مدرسه و همکاری خانواده‌ها با اولیاء مدارس و با دعوت از متخصصین علوم تربیتی از جمله روانشناسان و دعوت از کارشناسان کانون اصلاح و تربیت جهت توجیه کردن و آگاه‌سازی خانواده‌ها از خطرات در کمین فرزندان آن‌ها و همچنین دعوت از والدین بچه‌های موفق و... خانواده‌ها را در جهت تربیت صحیح فرزندان دارای علم و آگاهی ضابطه‌مند سازد. واضح است که دولت باید در این راه با تدارک ابزارهای انجام این طرح و فراهم کردن امکانات لازم به‌خصوص با تأمین نیازهای مالی مدرسه و تدوین مقررات و برنامه‌های دقیقی در این راه خانواده و نظام آموزش و پرورش را یاری نمایند (Parvizi, 2001). سیاست جنایی تقنینی ایران نیز بجای برخورد قهرآمیز و سرکوبگر نسبت به جرائم اطفال و نوجوانان رویکرد افتراقی و آینده‌نگر را با هدف اصلاح و پیشگیری اتخاذ نموده است.^۱

راه کارهای مناسب برای مقابله با آسیب‌پذیری اجتماعی کودکان و نوجوانان در خانواده

برنامه‌های خانواده‌مدار زیادی به‌منظور پیشگیری زودهنگام از بزهکاری کودکان و نوجوانان طراحی شده و به عناوین و نام‌های گوناگونی تقسیم‌بندی شده است. کاریو معتقد است که مؤثرترین این برنامه‌ها عبارت‌اند از: ۱. ملاقات‌های خانگی وقتی طفل در سن پایین است ۲. برنامه‌های تربیتی در مرحله آمادگی (پیش از مدرسه) ۳. آموزش والدین (Zhan, 2004).

در همین ارتباط سازمان ملی پیشگیری از جرم کانادا این برنامه‌ها را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده است. از دیدگاه این سازمان، «این برنامه‌ها معمولاً به سه شکل؛ برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین، برنامه حمایت از خانواده‌های مشکل‌دار یا خانواده‌درمانی، برنامه‌هایی با رویکرد جامع و

۱. در همین راستا ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: "در باره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند: الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها یا رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج.

هماهنگ، پیش‌بینی شده است. «در هر صورت انتخاب هر یک از برنامه‌های معرفی شده به منظور مداخله جهت پیشگیری، براساس معیارهایی به این شرح‌اند: این برنامه‌ها باید مبتنی بر اساس خانواده باشد؛ عوامل خطر مرتبط با خانواده را مشخص کند؛ کودکان و نوجوانان مورد هدف در این برنامه‌ها باید به‌عنوان اشخاصی در نظر گرفته شوند که در معرض بزهکاری هستند؛ نتایج این برنامه‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که بعد از ارزیابی، در واقع، کاهش عوامل خطر را به‌علت به‌کارگیری عوامل حمایتی تصدیق کند. ذیلاً به توضیح و تبیین هر یک از این برنامه‌ها خواهیم پرداخت.

برنامه مبتنی بر آموزش والدین

پدر و مادر از نقش بسیار مهم و والایی در زندگی کودک برخوردار می‌باشند؛ والدین و فرزند، کنش متقابلی بر یکدیگر دارند اما گاه مواردی دیده می‌شود که والدین فاقد مهارت‌های تربیتی می‌باشند و نمی‌توانند شیوه‌های صحیح تربیتی را به‌کارگیرند؛ به‌نحوی که در اثر سهل‌انگاری، کودک را به سمت وسوسه بزهکاری سوق می‌دهند (Zhan, 2004).

این طیف از برنامه‌ها در حقیقت به‌منظور آموزش والدین در مورد چگونگی استفاده مناسب از تکنیک‌های تأدیب و تربیت، نظارت و کنترل و این‌که چگونه می‌توان محدودیت‌های مفید و استواری را در مورد کودکان و نوجوانانی که تمایل به قانون‌شکنی دارند به‌کاربرد، است. این برنامه‌ها معمولاً از رویکرد سازمان‌یافته‌ای بهره برده و عمدتاً به‌منظور بهبود روابط خانوادگی و کمک به پدر و مادر در استفاده از تکنیک‌های مناسب تربیت و پرورش کودکان است (Khodayarifard & Parand, 2006).

ملاقات‌های خانگی

یکی از برنامه‌های مهم خانواده‌مدار به‌منظور پیشگیری، برنامه ملاقات‌های خانگی است. هدف اصلی برنامه ملاقات‌های خانگی، آموزش والدین به‌منظور بهبود زندگی کودکان از سنین بسیار پایین که معمولاً از بدو تولد و گاهی اوقات در سه‌ماهه پایان بارداری شروع می‌شود. به‌علاوه جلوگیری از زایمان قبل از موعد و ممانعت از به دنیا آمدن نوزاد با وزن کم، ارتقاء سلامت و رشد کودک و آماده کردن وی برای مدرسه و ممانعت از سوءاستفاده و غفلت از کودک، از اهداف دیگر این برنامه است. بازرسین خانواده، معمولاً پرستاران و یا سایر کارشناسان بهداشت و سلامت با زمینه‌های تخصصی گوناگون در حوزه خانواده می‌باشند. نمونه موفق برنامه‌های ملاقات خانگی برنامه المیرا است (Cario, 2003).

برنامه "المیرا" از سال ۱۹۷۰ به بعد در ایالت نیویورک آمریکا به اجرا درآمد. این برنامه یک برنامه مبتنی بر ملاقات‌های خانگی در ارتباط با خانواده‌های نیازمند به اقدامات ویژه، بود. این برنامه بر روی خانواده‌های فقیر و مادرانی که برای اولین بار بود حامله می‌شدند، تمرکز می‌کرد. از ابتدای حاملگی مادر شروع می‌شد و تا هنگامی که کودک به سن دوسالگی می‌رسید ادامه می‌یافت. این برنامه به‌وسیله پرستارانی که موظف بودند از این خانواده‌ها دیدن کنند به عمل می‌آمد. این پرستاران با آموزش

والدین، افزایش حمایت خانواده و دوستان و مرتبط کردن خانواده با سایر سرویس‌های خدماتی و بهداشتی سعی در کمک به مادران داشتند. در حقیقت برنامه المیرا بر این فرض مبتنی بود که ناسامانی خانواده، مشکلات مادر در دوران بارداری و مصرف الکل و مواد مخدر توسط وی و سایر عوامل خطر مرتبط با خانواده می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به کودک وارد کند. بررسی عملکرد پانزده‌ساله این برنامه، نشان داد که نرخ بازداشت کودکانی که مادرشان در برنامه المیرا شرکت داده شده و در ملاقات‌های خانگی همکاری کرده بودند، نسبت به کودکانی که مادرشان در این برنامه شرکت داده نشده بودند، ۵۴٪ پایین‌تر است. همچنین مادران شرکت داده‌شده در این برنامه‌ها کمتر متهم به کودک‌آزاری و غفلت از کودکشان شده بودند (Cario, 2003).

برنامه مبتنی بر خدمات مراقبتی روزانه

نمونه دیگری از برنامه‌ها و اقدامات حمایتی مبتنی بر آموزش والدین، برنامه مراقبت روزانه است. «این برنامه‌ها شامل خدمات مراقبتی برای کودکانی است؛ که والدینشان در برنامه‌های آموزشی شرکت داده شده‌اند. البته لازم به ذکر است که برنامه‌های مراقبت روزانه از برنامه‌های مهدکودک متمایز است. این برنامه‌ها با ارائه خدمات متنوع و گوناگون به کودکان، موجب تقویت تعاملات اجتماعی آنها شده همچنین ایشان را به خودشناسی و تقویت مهارت‌های اجتماعی تشویق می‌کند. تحلیل و ارزیابی این برنامه‌ها توسط فارینگتون و ولز در سال ۲۰۰۳ گویای این مطلب بود که برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین که شامل خدمات مراقبت روزانه نیز می‌شود در کاهش بزهکاری و رفتارهای ضداجتماعی مؤثر است. در حقیقت در میان کودکانی که از این خدمات بهره‌مند شده بودند آمار بزهکاری و انحراف ۷٪ کاهش نشان می‌داد» (Sharif, 2009).

خانواده‌درمانی

اعتقاد اصلی و زیربنایی خانواده‌درمانی این است که مشکلات بشر بیش از اینکه درون فردی باشند، بین فردی هستند به همین دلیل برای حل این مشکلات باید از آن دسته رویکردهای مداخله‌ای بهره گرفت که روابط بین افراد را بهبود می‌بخشند. خانواده مؤثرترین عامل محیطی در رشد و تحول شناختی کودک است و بسیاری از مشکلات کودکان از خانواده آنان ناشی می‌شود. (Khodayarifard and Parand, 2006)

در جرم‌شناسی پیشگیری خانواده‌درمانی یک رویکرد چندبعدی را می‌پذیرد که آموزش والدین، آموزش نوجوان و بهبود پویای خانواده را باهم درمی‌آمیزد. برنامه‌های خانواده‌درمانی در اصل به دنبال بهبود ارتباط و تعامل مابین کودکان و والدینشان و همچنین تقویت شیوه و عملکرد والدین برای حل مشکلاتی است که به وجود می‌آیند (Sadeghi, 1992). به‌منظور مقابله با این عوامل برنامه‌هایی با عنوان برنامه‌های خانواده‌مدار طراحی و اجرا شده است. مهم‌ترین این برنامه‌ها؛ برنامه‌های مبتنی بر

آموزش والدین، برنامه‌های مراقبت روزانه، خانواده‌درمانی و برنامه‌هایی با رویکرد جامع است. ارزیابی این برنامه‌ها که در کشورهای مختلف و متنوعی به اجرا درآمده، همگی حاکی از تأثیرات مثبت این برنامه‌ها در پیشگیری و کاهش بزهکاری کودکان و نوجوانان است (Chalabi and Rozbehani 2002).

فصل سوم) نقش دوگانه مدرسه در پیشگیری از بزهکاری

بعد از خانواده، مدرسه دومین محیطی است که سرنوشت و آینده کودکان را رقم می‌زند. این نهاد، می‌تواند در افزایش سواد و اعتمادبه‌نفس و... در کودکان مؤثر باشد؛ چراکه محیطی است که بعد از خانواده کودک بیشتر اوقات خود را در آن سپری می‌کند و قاعدتاً همان‌گونه که می‌تواند مفید باشد، معایبی نیز دارد که سبب ایجاد ناهنجاری‌ها و بزهکاری می‌شود؛ که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

بررسی تأثیر مدرسه در بروز آسیب‌های اجتماعی (بزهکاری) کودکان و نوجوانان

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد عوامل مؤثر در بروز بزهکاری وجود دارد اما بسیاری از نظریه‌پردازان با این مطلب که نظام آموزش و پرورش نیز مسئول میزان بالای بزهکاری نوجوانان است موافق‌اند. آن‌ها معتقدند که عواملی در مدرسه سبب بروز بزهکاری می‌شود از آن جمله:

شکست تحصیلی

اکثر نظریه‌پردازان معتقد به رابطه شکست تحصیلی و بزهکاری هستند معتقدند نوجوانانی که به علت ناتوانی قادر نیستند همراه با دیگر همکلاسی‌های خود ادامه تحصیل دهند، از مدرسه سرخورده می‌شوند و در صورت رانده شدن از سوی معلم و دیگر دانش‌آموزان با این اعتقاد که از راه‌های معمولی هرگز به موفقیت نخواهند رسید به دنبال دوستان همفکر خود می‌گردند و همراه آن‌ها به اعمال ضداجتماعی اقدام می‌کنند (Azimzadeh Ardabili, 2003).

مدرسه‌گریزی

به نظر می‌رسد اصطلاح مدرسه‌گریزی پس از اجباری شدن آموزش و پرورش در اواخر قرن نوزدهم میلادی در اروپا رواج یافت. عبارت مدرسه‌گریزی تمامی انواع اشکال غیبت غیرموجه و مستمر از مدرسه را در برمی‌گیرد. جرم‌شناسان فرار از مدرسه را انعکاس نامطلوب روش‌های غلطی می‌دانند که در مدرسه اعمال می‌شود که سرانجام منجر به ولگردی کودکان و نوجوانان می‌شود. در صورتی که دانش‌آموزی نسبت به محیط آموزشی خود بی‌علاقه گردد ممکن است به دنبال دوستانی باشد که مثل خود او فکر می‌کنند و با ترک مدرسه و فرارهای پی‌درپی به ولگردی و سرپیچی از نظم و مقررات عادت کنند.

خشونت در مدرسه

طیف رفتار نامناسب دانش‌آموزان، ممکن است منشأ اصلی آن تجربه‌آموزشی باشد و از کوچک‌ترین موارد نقض مقررات آموزشی مدرسه همچون سیگار کشیدن و ننوشتن تکالیف مدرسه و بی‌نظمی در مدرسه تا جرائم جدی نظیر تخریب اموال مدارس، فرار از مدرسه، ضرب و جرح، استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر را در برگیرد. نارضایتی از تجربه‌آموزشی عمدتاً منشأ ارتکاب انواع جدی‌تر کج‌روی را هم در داخل و هم در بیرون از مدرسه فراهم می‌کند. بعضی از دانش‌آموزان جامعه‌ستیز و ناراضی به ترک تحصیل و مدرسه تصمیم می‌گیرند که همین عامل ممکن است خلافاکاری آنان را تا دوران بزهکاری ادامه دهد (Hedayatollah, 1994).

مدرسه و پیشگیری از بزهکاری

محیط مدرسه در شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموزان نقش به‌سزایی دارد و بخشی از سرنوشت و آینده دانش‌آموزان در مدرسه رقم می‌خورد. برنامه‌های مبتنی بر مدرسه متمرکز بر حمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌هایی در خصوص حل مشکلاتشان و کنترل خود و اداره فشارهای وارد بر آنان و ایجاد کلاس‌هایی برای والدین به‌منظور آموزش آن‌ها در زمینه پاداش دادن و تشویق رفتارهای مطلوب کودکان، می‌باشند. در اهمیت نقش پیشگیری در آموزش و پرورش می‌توان به ماده ۵ آئین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ اشاره کرد که در آن، وزارت آموزش و پرورش مکلف است تدابیری را برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان و شناسایی کودکان در معرض خطر فراهم آورد^۱.

نهایتاً اینکه، نهاد آموزش و پرورش نهاد رسمی است که در جامعه وظیفه آموزش، فرهنگ، دانش و فنون را به عهده دارد و از این‌رو مهم‌ترین تلاش برای از بین بردن فاصله فاحش طبقاتی در جامعه؛ تعمیم آموزش و پرورش برای تک‌افراد است (Moazzami, 2008). در این راستا معیارهایی در سطح بین‌المللی وجود دارد که به‌صورت مختصر به آن‌ها می‌پردازیم. شایان‌ذکر است که این معیارها در

۱. ماده پنج مقرر می‌دارد: "وزارت آموزش و پرورش موظف است با اتخاذ تدابیر لازم نسبت به اجرای موارد ذیل در وزارتخانه و ادارات تابعه اقدام نماید:
 ۱- ارائه و اجرای طرح‌هایی به‌منظور پیشگیری از اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر و افزایش آگاهی‌های پرسنل (اداری و آموزشی)، دانش‌آموزان و انجمن اولیاء و مربیان.
 ۲- شناسایی دانش‌آموزان در معرض آسیب (دانش‌آموزانی که سرپرست یا والدین آنها قاچاقچی، معتاد، زندانی یا فراری هستند) و اتخاذ تدابیر مقتضی نسبت به معرفی آنان به مراجع پیشگیری و حمایتی و در صورت لزوم انجام مشاوره و آموزش‌های لازم برای این نوع دانش‌آموزان.
 ۳- شناسایی دانش‌آموزان معتاد، مصرف‌کننده یا توزیع‌کننده مواد مخدر و اتخاذ تدابیر لازم جهت اقدامات درمانی، حمایتی، تأمین و قانونی برای آنها.
 تبصره: انجام موارد مذکور باید به نحوی صورت پذیرد تا آسیب روانی و اجتماعی به این‌گونه دانش‌آموزان وارد نیاید.
 ۴- فراهم آوردن زمینه اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، تبلیغاتی از طریق مقتضی.
 ۵- اجرای برنامه‌های فرهنگی و تجهیز کتابخانه‌های مدارس و نیز گسترش مراکز مشاوره برای اوقات فراغت دانش‌آموزان.
 ۶- تهیه و انتشار بروشورهای تبلیغی به منظور آگاهی دانش‌آموزان و خانواده آنها از اثرات و مضرات اعتیاد."

تفسیر عمومی شماره ۱۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد به صراحت مدنظر قرار گرفته است.

در اختیار بودن^۱

اداره مؤسسات آموزشی و برنامه‌های آموزشی الزاماً باید در حوزه کشور عضو، به تعداد کافی در اختیار همه باشد. کارکرد لازم این نهادها و برنامه‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد برای مثال انتظار می‌رود که همه مؤسسات و مدارس ملزم به داشتن ساختمان، تسهیلات بهداشتی برای زنان و مردان، آب آشامیدنی سالم، معلمان آموزش‌دیده که حقوق قابل‌رقابتی در داخل کشور خود دریافت می‌کنند، مطالب آموزشی به کیفیت بالا و گه‌گاه تسهیلات رایانه‌ای باشند.^۲

قابلیت دسترسی^۳

نهادها و برنامه‌های آموزشی باید برای همه در داخل صلاحیت کشور عضو قابل‌دسترسی باشد. دسترسی‌پذیری دارای سه جنبه متداخل و همپوش است.

عدم تبعیض

آموزش باید برای همه به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیرتر، هم به لحاظ قانونی و هم در عمل، بدون تبعیض مبتنی بر دلایل ممنوعه قابل‌دسترسی باشد.

قابلیت دسترسی فیزیکی

آموزش باید به‌طور سالم و ایمن در محدوده دسترسی فیزیکی باشد، خواه با حضور در محل جغرافیایی که به‌صورت معقول، مناسب و راحت است (مثل مدرسه‌ای در محل) یا از طریق فناوری نوین (مثل دسترسی به برنامه آموزش از راه دور).

قابلیت دسترسی اقتصادی

آموزش باید به لحاظ هزینه برای همه قابل‌تحمل باشد. این بُعد از قابلیت دسترسی با عبارات متفاوتی در بند ۲ ماده ۱۳ در ارتباط با آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی بیان شده است. درحالی‌که آموزش ابتدایی باید «رایگان» در اختیار همه باشد، کشورهای عضو ملزم هستند به تدریج آموزش متوسطه و عالی مجانی را ارائه دهند.

قابل‌پذیرش بودن^۴

شکل و محتوای آموزش، از جمله برنامه‌های درسی و شیوه‌ای تدریس باید برای دانش‌آموزان و در موارد مقتضی برای والدین قابل‌قبول و پذیرش باشند (مثلاً ذیربط مناسب از نظر فرهنگی و دارای کیفیت خوب).^۵

1. availability

2. General Comment no.13, ICESCR, 1999

3. accessibility

4. acceptability

5. General Comment no.13, ICESCR, 1999

انطباق پذیری^۱

آموزش باید به گونه‌ای انعطاف پذیر باشد که بتواند با نیازهای جوامع و جمعیت‌های متحول سازگار باشد و به نیازهای دانش‌آموزان در شرایط متنوع اجتماعی و فرهنگی آنان پاسخ دهد. اگر مدرسه و محیط آموزشی و معلمان وظایف خود را درست ایفاء نمایند نه تنها زمینه جهت‌گیری مثبت در طفل فراهم می‌شود بلکه آثار منفی محیط خانوادگی و همسالان نیز خنثی و بلااثر می‌شود. مدرسه مانند یک واحد کنترل اجتماعی می‌تواند با تکیه بر اصل تشویق و تنبیه به دانش‌آموزان بیاموزد تا با استفاده از استعداد‌های خود در یک رقابت سالم و سازنده وظایف آموزشی را به نحو احسن انجام دهند تا ضمن پیمودن مدارج ترقی امتیازات اجتماعی و خانوادگی تحصیل نمایند. فرآیند چنین امری نظم‌پذیری و اجتماعی شدن تدریجی و در نهایت تکامل و تکوین شخصیت فردی و اجتماعی نوجوانان خواهد بود. پژوهش‌ها حاکی از این است اکثریت کودکان بزهکار از نظر تحصیلی با مشکلاتی نظیر بی‌سوادی یا سواد در حد ابتدایی و راهنمایی مواجه هستند و به‌ندرت دبیرستان را به پایان رساندند (Drijani, 2001).

راه‌کارهای مناسب برای مقابله با آسیب‌پذیری اجتماعی کودکان و نوجوانان در مدرسه

به‌منظور مقابله با آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان در مدرسه، باید به جذب و نگهداری معلمان شایسته و کارآمد در نظام آموزش و پرورش اقدام نمود. به‌کارگیری معلمان دارای عشق به تدریس، علاقه‌مند به کودکان و نوجوانان و دارای سلامت اخلاقی و روانی و جسمانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از مهم‌ترین راهکارها، برقراری پیوند و تحکیم احساس تعلق دانش‌آموزان به کلاس و مدرسه و برخورد ملاطفت‌آمیز و دوستانه معلم و اولیای مدرسه با دانش‌آموزان است؛ باید به معلمان مرتب با دانش‌آموزان در معرض خطر آموزش داد که نواقص تحصیلی و ناهنجاری‌های رفتاری این دانش‌آموزان را شناسایی و در رفع شرایط مخاطره‌آمیز آنان بکوشند. معلمان و اولیای مدرسه همواره باید خود را ملزم بدانند که در برنامه‌های آموزشی مشارکت دانش‌آموزان را جلب کرده و دانش‌آموزان را در خصوص ضرورت اجرای مقررات انضباطی و آموزشی قانع نکنند. خلاصه اینکه با اصلاح روش‌های تدریس و ارزیابی، ایجاد انگیزه و افزایش موفقیت تحصیلی و تحکیم روابط میان دانش‌آموزان و اولیای مدرسه، بهبود محیط مدرسه از نظر کمی و کیفی و بالا بودن استانداردهای آموزشی ارتقای استانداردهای کارکنان آموزشی و معلمان و مدیران مدارس، متناسب نمودن برنامه‌های درسی با نیازهای دانش‌آموزان و آموزش حقوق به دانش‌آموزان و غیره می‌توان سطح آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان را کاهش داد و به حمایت از آن‌ها پرداخت.

1. adaptability

فصل چهارم) نقش دوگانه رسانه در پیشگیری از بزهکاری

جرم‌شناسان بر نقش‌های دوگانه رسانه در وقوع جرم یا پیشگیری از آن تأکید دارند و معتقدند این ابزار در پرورش یا انحراف افکار عمومی نقش مهمی را ایفا می‌کند و بهترین وسیله برای روشن شدن اذهان و تنویر افکار عمومی و عقاید هستند؛ بنابراین این ابزار تولید همچون آینه‌ای نقش هریک از عوامل جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان را نشان می‌دهد و کارکردهای مثبت یا منفی خانواده، مدرسه و همسالان را در زندگی آن‌ها تقویت یا تضعیف می‌نماید.

رسانه و پیشگیری از بزهکاری

این مهم است که ما بتوانیم بین مفهوم کنترل جرم یا مبارزه با جرم و مفهوم پیشگیری از جرم تمایز قائل شویم. پیشگیری از جرم لزوماً موضوعی مربوط به اجرای قانون یا فعالیت‌های معمول پلیسی و سیستم قضایی نیست. بلکه پیشگیری از جرم تلاشی است برای استفاده از منابع جهت تغییر شرایطی که مردم مستعد ارتکاب جرم در آن شرایط هستند. برنامه‌های پیشگیری از جرم شامل برنامه‌های اجتماعی طراحی شده جهت بهبود شرایط اجتماعی است. هدف نهایی برنامه‌های پیشگیری از جرم، ایجاد اجتماعی سالم و تلاشی جهت درگیر کردن فعالانه تمام بخش‌های جامعه برای پیشگیری از وقوع جرم است. این مجموعه از برنامه‌ها، استفاده از رسانه‌های گروهی را به‌عنوان ابزاری توانمند در خصوص پیشگیری از جرم موجب شده است.^۱ همان‌طور که می‌دانیم، کلمه رسانه (media) از کلمه به medium معنی واسطه و میانجی برگرفته شده است. درواقع رسانه بین شهروندان عمومی و مؤسسات دولتی قرار می‌گیرد؛ بنابراین رسانه نیازها و خواست‌های عمومی مردم را به تصویر می‌کشد. (Darvish, 2011) رسانه‌های گروهی این توانایی را به‌عنوان نخستین نماینده تولید دانش، انتشار، ترویج علوم، فنون و نیز به‌عنوان ناظر عمومی و کارگزار اطلاعات دارند. بحث قابل توجهی در مورد تأثیرات رسانه در آرایش رفتار و تفسیر الگوهای مصرف وجود دارد. بعضی ادعا دارند که نگرش یا ذهنیت اولیه در اکثر مردم، از اخبار و دیگر رسانه‌های گروهی ناشی می‌شود. کارشناسان دیگر استدلال می‌کنند که جرائم و دیگر رسانه‌ها نقش کلیدی را در شکل‌گیری نظم، ثبات و تغییر دارند. بدون شک رسانه نفوذ انکارناپذیری در شکل‌گیری رفتار و منش یکایک افراد جامعه خواهد داشت. رسانه‌های گروهی به‌وسیله آموزش ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، آموزش چگونگی ارتباطات اجتماعی و تزریق اصول اخلاقی مطلوب در اذهان مردم جامعه نقش ارزشمندی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار در میان آحاد جوامع انسانی و ملت‌ها خواهد داشت (Mohammadzadeh, 2009).

۱. در این راستا ماده ۷ آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد و درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب ۱۳۷۶ مقرر می‌دارد: "سازمان صدا و سیما مکلف است با هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر درصدی از برنامه‌های خود را در قالب فیلم، سریال، پیام‌های آموزشی و هشداردهنده و آموزش‌های تخصصی از شبکه سراسری و شبکه‌های استانی در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد اختصاص دهد."

رسانه‌های گروهی در به تصویر کشیدن صحیح سیستم قضایی، آگاه کردن مردم در مورد حقوقشان و نشان دادن پیامدهای جرم مسئول هستند. رسانه‌ها همچنین در ترسیم جرائم یقه سپیدان و جرائم شخصیت‌های حقوقی که نتایج زیانباری در اقتصاد دارند، به‌عنوان ناظر و نگهبان منافع عمومی نقش ایفا می‌کنند. رسانه در مقام کنترل و کشف جرائم بالقوه و آموزش شهروندان در خصوص اثرات جرم و جنایت قرار دارد. رسانه‌های گروهی توان بالقوه‌ای جهت کمک به اصلاح یا پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی همچون جرم دارند. رسانه‌ها وظیفه به چالش کشیدن حقانیت قوانین، نهادها و مقامات دارند و در واقع به‌عنوان کاتالیزور در حرکت به‌سوی جامعه سالم عمل می‌کنند. به‌رحال رسانه‌ها در نقش رقیب یا مخالف اقتدار دولت‌ها نیستند (Mohammadzadeh, 2009).

رسانه و بزهکاری

بزهکاری رفتاری پیچیده است که معمولاً رشد آن منبعث از وجود چندین عامل است. رسانه‌های گروهی، وحشت و خشونت را ساده‌سازی و استاندارد کرده، سپس آن‌ها را به‌عنوان بخشی از آداب و سنن روزمره وارد زندگی بسیاری از خانواده‌ها می‌کنند. قرار گرفتن در معرض وحشت و خشونت از خردسالی آغاز و در طول زندگی ادامه می‌یابد. الگوی زندگی امروزی از صحنه‌های خشونت و وحشت تولیدشده توسط رسانه‌ها اشباع شده است و این امری است که گریزناپذیر به نظر می‌رسد (Brandon, 1998). پژوهش‌ها در زمینه تأثیر «خشونت تلویزیونی» بر رفتار کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد، این نوع مشاهدات به رفتار در خانواده، مدرسه و جامعه تعمیم می‌یابند. از جنبه کوتاه‌مدت این تأثیر، تحقیقات متعدد نشانگر این امر است که کودکان بلافاصله پس از دیدن برنامه‌های خشونت‌بار به همسالان خود در خانواده یا مدرسه تعرض می‌کنند و رفتار خشن بروز می‌دهند. در رسانه‌های تصویری بخصوص تلویزیون، خشونت فراوان و تقریباً در همه‌جا دیده می‌شود. انواع آن عبارت‌اند از: خشونت در فیلم‌های تخیلی، خشونت در بازی، خشونت جسمی و غیر جسمی در تراژدی‌ها و کمدی‌ها، کارتون‌ها، داستان‌های خانوادگی، فیلم‌های ویدئویی، داستان‌های جنگی و پلیسی و امثال آن کودکان «خشونت» تلویزیون را به چند شکل دریافت می‌کنند که شامل؛ خشونت جسمانی، خشونت رمزی، خشونت کلامی و خشونت اشیایی می‌شود. نکته جالب در خشونت‌های تلویزیونی این است که عواقب این خشونت‌ها و به‌ویژه درد و رنج مصائب و فاجعه‌ای که ممکن است از آن حاصل شود، به‌ندرت نشان داده می‌شود. نتایج پژوهش‌ها و بررسی‌های مکرر کوتاه و درازمدت نشان‌دهنده این واقعیت است که خشونت در تلویزیون به کودکان، رفتار ضداجتماعی (سوسیپاتی) می‌آموزد، از حساسیت آن‌ها نسبت به اعمال خشن می‌کاهد، اختلال در خواب به‌وجود می‌آورد، علائم بعد از تنش ایجاد می‌کند، رفتار خشونت‌آمیز در آن‌ها به وجود می‌آورد، این باورها را در آنان تقویت می‌کند که مسائل را با خشونت می‌توان حل کرد، آنان را نگران و ترسو و مضطرب به دنیای اطراف خود بار می‌آورد، بیشتر دست به

کارهای خطرناک می‌زنند، از قواعد و قوانین سرپیچی و بحث‌و جدل بیشتری می‌کنند و بالاخره رفتار معمولی آنان با دیگران معمولاً توأم با پرخاشگری و آزار و تحقیر دیگران می‌شود.

در ارزیابی سه شبکه تلویزیونی آمریکا معلوم شده است که این شبکه‌ها در برنامه‌های خود در هر هفته ۹۲ مورد حمله با اسلحه گرم، ۱۱۳ صحنه تجاوز به عنف، ۹ فقره خفه کردن، ۱۲۸ فقره نزاع با مشت و لگد و ۱۷۹ مورد تخلف از قانون را نمایش می‌دهند. از سوی دیگر، هر کودک تا رسیدن به ۱۴ سالگی جمعاً ۱۳۰۰۰ مورد قتل و تجاوز را مشاهده می‌کند (Newman and Newman, 1998).

نگرانی از خشونت در برنامه‌های تلویزیونی به‌طور مشخص با زمینه رشد اخلاقی کودک مرتبط است. بیش از ۲۰ سال تحقیقات آزمایشگاهی، آزمایش‌های میدانی و تجزیه‌وتحلیل رفتارهایی که به‌صورت طبیعی بروز می‌کنند، به این نتیجه‌گیری منجر شده که صحنه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون بر رفتارها و باورهای کودکان و خردسالان پیامد منفی و قطعی دارد. می‌توان از نفوذ شدید و دقیق تلویزیون که تقریباً در دسترس اکثر خانواده‌هاست استفاده کرد و به کودکان فنون مدیریت، رهبری مطالعه، آموزش قوانین راهنمایی‌وراندگی، انواع بازی‌های خلاق، کار با رایانه و غیره را یاد داد. خانم سوزان هیروولد (۱۹۸۶)، نتایج ۱۰۸ تحقیق مربوط به مقایسه اثر برنامه‌های اجتماعی، برنامه‌های خنثی و نبود برنامه درباره آزمودنی‌ها را به‌طور آماری بررسی کرد. او به این نتیجه رسید که اگر تماشاچیان، به‌جای برنامه‌های خنثی، به برنامه‌های اجتماعی نگاه می‌کردند، (حتی به‌طور موقتی) رفتارهای اجتماعی مناسب آن‌ها از ۵۰ درصد به ۷۴ درصد افزایش می‌یافت. آن‌ها می‌توانند کودکان و نوجوانان را با خطرات و ضد ارزش‌ها و عوامل مخرب مربوط کنند (Newman and Newman, 1998).

بنابراین رسانه‌ها به‌عنوان بانفوذترین ابزار ارتباطی نقش عمده‌ای در گسترش زمینه‌های خطر برای کودکان و نوجوانان دارند. تسلط کودکان بر تمام رندگی کودکان، منفعل بودن کودکان در مقابل پیام‌های آسیب‌زای رسانه‌ای، توجه گرداندگان رسانه‌ای به اهداف سیاسی و اقتصادی، تبلیغ ناهنجاری‌ها و ارائه الگوهای نامناسب و تبلیغ بی‌بندوباری در روابط جنسی از مهم‌ترین خطراتی است که کودکان و نوجوانان را در معرض بزهکاری قرار می‌دهد. از این‌رو مسئولان کشور باید بکوشند از طریق علمی و با مشورت دانشمندان علوم تربیتی و روانشناسی و متخصصان فناوری‌های جدید از گسترش این‌گونه خطرهای جلوگیری کنند و یا حداقل آن‌ها را کاهش دهند (Sheykhavandi, 1994).

راه مقابله با کارکردهای منفی تلویزیون

گرچه به صفر رساندن کارکردهای منفی تلویزیون امکان‌پذیر نیست، ولی نباید نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بود. از این‌رو، باید تمام هم خود را به کار بست تا این کارکردهای منفی به حداقل ممکن برسند. به برخی از این راه‌کارها اشاره می‌گردد.

۱. استفاده از تراشه رایانه‌ای V-ship: می‌توان این وسیله را در دستگاه تلویزیون کار گذاشت تا والدین به کمک آن بتوانند در برنامه‌هایی که تصور می‌کنند برای فرزندانشان مناسب نیست، اختلال ایجاد کنند (Delvor and Denis 2004).
۲. متولیان امر سعی کنند برنامه‌های مخصوص بزرگسالان را زمانی پخش کنند که تا حد امکان، کودکان موفق به دیدن آن‌ها نشوند.
۳. والدین و مربیان درباره اهداف آگهی‌های تجاری و اینکه چگونه باید آن‌ها را ارزیابی کنند، با کودکان حرف بزنند (Newman and Newman, 1998).
۴. برنامه‌ریزی خانواده‌ها به گونه‌ای باشد که کودکان کمترین فرصت را برای تماشای برنامه‌های تلویزیونی، آن‌هم برنامه‌های مخصوص خود، داشته باشند.
۵. والدین همراه کودکان تلویزیون تماشا کنند و درباره داستان‌ها و اطلاعات نمایش داده شده آن صحبت کنند؛ درباره اینکه موقعیت‌هایی که در تلویزیون ارائه شده، چگونه ممکن است با زندگی واقعی همخوان باشد یا نباشد، حرف بزنند.
۶. اندیشه‌ها و پیشنهادهایی را که در برنامه‌های آموزشی ارائه می‌شود با فعالیت‌هایی که در خانه یا کلاس صورت می‌گیرد پیگیری کنند. چنین فعالیت‌هایی به کودکان کمک خواهند کرد تا از اطلاعاتی که از تلویزیون ارائه می‌شوند فعالانه‌تر استفاده کنند.
۷. کودکان را تشویق کنند که از میان انواع برنامه‌های تلویزیونی، دست به انتخاب بزنند؛ آن‌ها را علاوه بر برنامه‌های کودکان، با اخبار، ویژه‌برنامه‌های علمی، فیلم‌های کلاسیک و برخی اخبار و رویدادها آشنا کنند.
۸. والدین از سی‌دی‌هایی که از نظر سنی برای کودکان مناسب است برای اوقاتی که آن‌ها در خانه هستند و یا زمانی که تشخیص می‌دهند یک برنامه تلویزیونی مناسب طبع یا سن کودک نیست استفاده کنند.
۹. محدود کردن تماشای تلویزیون کودکان باید در دستور کار برنامه‌های بهداشتی قرار گیرد.
۱۰. توسط متولیان امر، قفل‌های الکترونیکی در اختیار والدین قرار گیرد تا در برنامه‌ریزی تلویزیون به والدین کمک نمایند.

فصل پنجم) نقش دولت‌ها در تعلیم و تربیت کودکان

نقش خانواده، مدرسه و رسانه مهم است ولی عدم توجه به نقش دولت در تعلیم و تربیت کودکان و ارتقاء حق بر آموزش، نقش نهادهای اجتماعی مزبور را در مسیر تحقق آموزش و پرورش ناکارا می‌نماید و آن‌ها را در تحقق اهدافشان به بیراهه خواهد برد. فلذا در پایان، اسناد حقوق بشری موجود در مورد آموزش و پرورش و نقش دولت‌ها در تعلیم و تربیت را مطرح می‌نماییم.

حق بر آموزش در اعلامیه جهانی حقوق بشر

هدف اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر، احترام به منزلت و کرامت انسانی است. حقوق بشر حقوقی بنیادین و انتقال ناپذیر است که برای حیات نوع بشر، اساسی تلقی می‌شود. یکی از اهدافی که سازمان ملل برای تحقق آن بنیان نهاده شده، نیل به همکاری بین‌المللی برای تشویق و اعتلای رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب بود (Hatami and Zahedi, 2013). حق آموزش به‌عنوان یکی از حقوق مسلم بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۶ مورد شناسایی قرار گرفته‌است.

ماده ۲۶:

بند ۱- هرکس حق بر آموزش دارد. آموزش لاقول در مراحل ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. تحصیلات ابتدایی باید اجباری باشد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید در دسترس عموم قرار گیرد و آموزش عالی باید برای همه و بر اساس شایستگی در دسترس باشد.

بند ۲- آموزش باید در جهت رشد کامل شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش باید تفاهم، مدارا و مودت میان تمامی ملل، گروه‌های نژادی و مذهب را ارتقا داده و فعالیت‌های سازمان ملل متحد در جهت پاسداری از صلح را تسریع بخشد.

بند ۳- والدین در گزینش نوع آموزش فرزندانشان حق تقدم دارند (Assembly, 1948).

حق بر آموزش در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این میثاق در سوم ژانویه ۱۹۷۶ به دنبال تودیع ۳۵ سند تصویب لازم‌الاجرا گردید. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌گونه که در متن میثاق آمده است جزء جدایی‌ناپذیر مجموعه حقوق بشر شناخته شده است. میثاق مزبور عمده‌ترین سند الزام‌آور بین‌المللی است که به تفصیل، عنایت و توجه حقوق بین‌الملل را در دفاع از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد. ماده ۱۳ از آن میثاق برای هر فرد حق بهره‌مندی از آموزش را مورد تأکید و شناسایی قرار داده است. از دید این سند، جهت‌گیری آموزش باید به سمت رشد و تعالی و کمال شخصیت و کرامت انسانی بوده و به‌ویژه به‌طرف تقویت حقوق و آزادی‌های اساسی جهت داده شود (Hatami and Zahedi, 2013).

ماده ۱۳:

۱. دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ (۱۹۷۶) حق هر فرد را جهت برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. آن‌ها می‌پذیرند که آموزش باید در جهت توسعه کامل شخصیت و حیثیت انسان و احترام فرد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تقویت و هدایت شود ...

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1976)

۲. دولت‌های عضو این میثاق، دستیابی و تحقق کامل به حقوق زیر را اذعان دارند:
- الف- آموزش ابتدایی باید برای همه اجباری و رایگان باشد.
- ب- آموزش متوسطه با اشکال مختلف آن که شامل آموزش فنی و حرفه‌ای متوسطه است، باید به‌وسیله ابزارهای مناسب، به‌ویژه در جهت رایج کردن آموزش رایگان برای همه فراهم و قابل دسترس باشد.
- ج- آموزش عالی باید به‌وسیله ابزارهای مناسب به‌ویژه در جهت معمول نمودن آموزش رایگان و براساس استعداد و صلاحیت به‌طور مساوی قابل دسترس باشد.
- د- آموزش پایه‌ای برای افرادی که دوره آموزش ابتدایی خود را طی نکرده‌اند و یا تکمیل نموده‌اند باید تا حد ممکن تشویق گردد.
- ه- گسترش و توسعه سیستم مدارس باید در تمامی سطوح و به‌طور فعالانه دنبال شود تا یک نظام بورسیه‌ای مناسب تأسیس گردد و همچنین شرایط مادی کارمندان آموزشی باید به‌طور مداوم بهبود یابد.
- دولت‌های عضو این میثاق متعهد می‌گردند که حق آزادی و اختیار والدین و سرپرستان قانونی را برای انتخاب مدارس کودکان غیر از مدرسی که به‌وسیله دولت تأسیس شده است، به‌شرط تطبیق دادن با حداقل موازین آموزشی که دولت تنظیم و تصویب کرده است، تضمین کنند و نیز حقوق والدین را جهت آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان بر طبق اعتقادات خود در نظر بگیرد (Hatami and Zahedi, 2013).

حق بر آموزش در کنوانسیون حقوق کودک

- مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک که به حق آموزش پرداخته شده است، تأکید می‌دارد.
۱. حکومت‌ها حق بر آموزش را برای کودک به رسمیت می‌شناسند و به‌ویژه برای تحقق آن:
- الف- تحصیل دوره ابتدایی برای همه اجباری و رایگان می‌کنند.
- ب- مدارس گوناگون آموزشی و حرفه‌ای ره به وجود می‌آورند و آن‌ها را به‌طور ارزان و رایگان در اختیار افراد کم‌درآمد قرار می‌دهند.
- ج- امکان ورود به مدارس عالی را در دسترس همگان گذاشته و از آن حمایت می‌کند.
- د- مشاوره شغلی و حرفه‌ای را برای همه کودکان ممکن و قابل دسترسی می‌نمایند.
- ه- برای کاهش تعداد کودکانی که مدرسه را رها می‌کنند تلاش نموده و اقدامات مناسب را برای حضور منظم کودکان در مدرسه انجام می‌دهند.
۲. حکومت‌های عضو پیمان حقوق کودک^۱ (۱۹۸۹) کوشش خود را می‌کنند تا روند آموزش و پرورش مدارس در شان و منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه همخوان باشد.

1. Convention on the Rights of the Child (1989)

ماده ۲۲ (اهداف آموزش):

۱. حکومت‌های عضو پیمان تأکید می‌کنند که آموزش باید:

- الف- شخصیت، استعداد و توانایی‌های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.
- ب- احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی‌های پایه مصوب سازمان ملل متحد را در کودک پرورش دهد.
- ج- نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش‌های ملی سرزمین پدری ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین‌ها را تقویت کند.
- د- کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگر باشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق‌ها و گروه‌های قومی یا ملی -مذهبی آماده کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پیشگیری از جرم یکی از اصول مهم سیاست جنایی است که برای مهار پدیده مجرمانه به‌کار می‌رود. این امر از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشگیری از وقوع جرم را در بند ۵ اصل ۱۵۶ از اهداف قوه قضاییه برشمرده است. اقدامات پیشگیری از وقوع جرم در نهادهایی که در فرآیند جامعه‌پذیری افراد نقش دارند، دارای کارکرد اساسی است. کودک در خانواده رشد می‌کند و برای اولین بار با عوامل جرم‌خیز از طریق خانواده و رسانه‌ها آشنا می‌شود و بعد پا به عرصه اجتماع می‌گذارد در این راستا اگر خانواده‌ها توجه کافی به فرزندان خود نداشته باشند، زمینه بروز انحرافات را در فرزندانشان پدید می‌آورند. لذا آموزش درست در مدارس و دانشگاه‌ها و تدریس اخلاق متناسب با مبانی دینی و فرهنگی، فرزندان را به‌سوی زندگی سالم سوق داده و موجب می‌شود تا فرزندان سرخورده در اجتماع رها نشوند و در زندگی خود هدفمند باشند. در پاسخ به سؤال نخست باید گفت خانواده می‌تواند با پیشگیری زودرس از بزهکاری برنامه‌های حمایتی خاصی همچون برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین، برنامه حمایت از خانواده‌های مشکل‌دار یا خانواده‌درمانی، برنامه‌های موسوم به خدمات مراقبتی روزانه را با رویکرد جامع و هماهنگ پیش‌بینی کند. سیاست جنایی تقنینی ایران نیز به نقش خانواده در پیشگیری از تکرار جرم در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد اصلاح و درمان تأکید نموده است.

آموزش و پرورش بعد از خانواده مهم‌ترین تأثیر را در رشد کودک بر جای می‌گذارد. درست است که در کشور ما آموزش و پرورش نقش چندانی در کاهش جرم ندارد اما به‌عنوان تنها نهادی که می‌تواند پیشگیری رشدمدار را به‌صورت صحیح در قالب آموزش‌های رایج تربیتی محقق سازد، می‌بایست با ادغام سیاست‌های جامعه‌شناسانه و آموزه‌های دینی، تعالیم نوینی را برای تربیت اخلاقی، قضایی و حقوقی کودک فراهم کند. همچنان که در بندهای ۳ و ۴ اصل سوم قانون اساسی به این وظایف اشاره شده است. همچنین در آئین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد

در معرض خطر مصوب ۱۳۷۶ به نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از اعتیاد اشاره شده است که به موجب آن وزارت آموزش و پرورش را موظف کرده تدابیری برای پیشگیری از اعتیاد دانش آموزان و کودکان در معرض خطر فراهم آورد. رسانه‌ها نیز نقش مهمی در شکل‌گیری نظم و ثبات در جامعه دارند به نحوی که می‌توان گفت رسانه نماینده‌ای قوی جهت برقراری عدالت است و می‌تواند بر اعمال غیرعادلانه نظارت داشته باشد و آن‌ها را به تصویر کشیده و فریادرسی برای آلام مردم باشد به عبارت دیگر رسانه‌های گروهی در به تصویر کشیدن صحیح سیستم قضایی، آگاه کردن مردم در مورد حقوقشان و نشان دادن پیامدهای جرم نقش مهمی دارند.

در پاسخ به سؤال دوم باید اذعان داشت که نقش دولت در تعلیم و تربیت و ارتقاء آموزش، در مقابل نقش خانواده، مدرسه و رسانه بسیار پراهمیت است به نحوی که در چارچوب اصول مورد حمایت دولت، سایر نهادها می‌توانند کارکرد مطلوب داشته باشند و در غیر این صورت به بیراهه می‌روند. حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است.

بسیاری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی ناشی از عدم آگاهی و یا کمبود اطلاعات است لذا آموزش و افزایش آگاهی‌های عمومی از ضرورت‌های اجتماعی است. در پاسخ به سؤال سوم باید گفت آموزش باید متناسب با نیازهای آموزشی از قبیل سن، جنسیت، فرهنگ، شغل، باورهای دینی و... باشد که این امر موجب کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد؛ بنابراین بررسی نقش آموزش در جلوگیری از وقوع جرم مستلزم ورود در بحث پیشگیری خواهد بود. آموزش اقدامات پیشگیرانه در دو محور صورت می‌گیرد. آموزش همگانی از طریق افزایش آگاهی عمومی و بالا بردن رشد فکری جامعه، همکاری در برنامه‌های کنترل و مهار بزهکاران و ارتقای احساس مسئولیت افراد جامعه درباره وقایعی که در همسایگی آن‌ها رخ می‌دهد می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد. از سوی دیگر آموزش همگانی برای محافظت از جان و مال و دارایی‌های شهروندان موجب افزایش مشارکت‌های عمومی و پیشگیری از وقوع جرم می‌شود.

References:

- Azimzadeh Ardabili, F. (2003). Family And Children Rights Foundation. Nedaye Sadegh. 8.(30). 1-30. [In Persian].
- Cario, R. (2003). Psychological Intervention Early Socialization To Prevent Criminal Behavior. Translated by Ali Hussain Najafi Abrandabadi. Legal Research. 7 (7). 48-49. [In Persian].
- Brandon, S. (1998). Does Watching TV Cause Increased Aggression In Children? Translated by Vahid Erfani. Research and Measurement. 15 (16). 200-211. [In Persian].

- Chalabi, M. & Rozbehani, T. (2002). The Role of The Family as a Factor In Preventing Juvenile Delinquency (Relying On Family Discipline). College Of Letters And Humanities Research Shahid Beheshti University. 2 (29). 1-19. [In Persian].
- Danesh, T. (2005). Who Is Guilty? What Is Criminology? Tehran: Keyhan. [In Persian].
- Darvish, P. (2011). Importance And Necessity Of Non-Formal Education. Correcting And Training. 10.(128). 1-12. [In Persian].
- Drijani, M. (2001). Legal Review Of Cognitive Of Fences Corporal Punishment Of Children. Master Thesis In Criminal Law And Criminology. Tehran University. [In Persian].
- Delvor, M. & Denis, O. (2004). Understanding Mass Communication. Translated by Cyrus Moradi. Tehran: Radio And Television University. [In Persian].
- Ghafori Gharavi, H. (1982). The Motivation Of The Criminal. Tehran: National University Of Iran. [In Persian].
- Hasting, R. (2001). Crime Prevention Through Social Development. Translated by Hamidreza Javidzadeh. Security. 4 (4). 9-10. [In Persian].
- Hatami, M. & Zahedi, M. (2013). Right To Education And Government Commitment. Tehran: Khorsandi. [In Persian].
- Hedayatollah, S. (1994). Introduction To Social Pathology. Tehran: Avayenoor. [In Persian].
- Khodayarifard, M. & Parand, M. (2006). Family Therapy Approach Based On Cognitive -Behavioral Depression In Adolescents. Psychological Research. 10 (16). 62-83. [In Persian].
- Mahdavi, M. (2011). Prevention of Crime, Tehran, Samt. [In Persian].
- Moazzami, Sh. (2008) Crime Prevention. Tehran: Majd. [In Persian].
- Mohammadzadeh, H. (2009). Examine The Role Of Education in Preventing Delinquency. Delinquency. 6 (34). 69-104. [In Persian].
- Najafi Abrandabadi, A. H. (1999). Delinquency Prevention and The Local Police Security. Legal Research. 2. (7). 129-149. [In Persian].
- Newman, Ph. & Newman. B. (1998). TV Effects On Child Development Translated by Esmail Beyabangard. Education. 6. (11). 132-143 [In Persian].
- Parvizi, C. (2001). Family Delinquency Prevention For Children and Adolescent. Tehran: Samt. (in Persian)
- Sadeghi, M. (1992). Family Therapy. Journal of Law and Jurisprudence. 13 (77) 1-7. [In Persian].
- Sharif, M. (2009). Training For Better Behavior. Tehran: Teyfegar. [In Persian].
- Sheykavandi, D. (1994). Sociology of Deviance Pathology. Tehran: Samt. [In Persian].
- Tavassoly, Gh. A. (1990). Sociological Theories. Tehran: Samt. (in Persian)
- Assembly, U. G. (1948). Universal declaration of human rights. UN General Assembly, 3 (2) 1-3.
- Zhan, P. (2004). Thoughts on Criminal. Translated by Ali Hussain Najafi Abrandabadi. Tehran: Samt